

غزل شماره ۴۳۴

ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی
وان که برو که رستی از نیستی و هستی

گر جان به تن بینی مشغول کار او شو
هر قبله ای که بینی بهتر ز خود پرستی

با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش
یاری اندر این ره بهتر ز تدرستی

در مذهب طریقت خامی نشان کفر است
آری طریق دولت چالاکي است و چستی

تا فضل و عقل بینی بی معرفت نشینی
یک نکته ات بگویم خود را مبین که رستی

در آستان جانان از آسمان میندیش
کز اوج سربلندی افقی به خاک پستی

خار ار چه جان بکاهد گل عذر آن نخواهد
سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی

صوفی پیالہ پما حافظ قرابہ پر میر

ای کوٹہ آستینان تاکی دراز دستی

تفسیر فال

غافل از عشق و محبت به اطرافیان شده‌اید؛ آنقدر در دنیای خودتان غرق گشته‌اید که قبله‌ی وجودتان به خودپرستی و غرور تبدیل شده است، و در این میان تنها خود را می‌بینید. زندگی بدون عشق به معنای دور شدن از خداوند متعال است، یعنی وارد دنیایی از بی‌معرفتی شده‌اید که عواقب آن سقوط روحی و اجتماعی را به همراه دارد. عشق نه تنها باعث نزدیکی شما به خدا می‌شود بلکه ارتباطات انسانی را نیز تقویت می‌کند. اگر واقعاً می‌خواهید حاجت‌هایتان روا شود و دل‌های اطرافیان را نورانی کنید، لازم است توبه کنید. با توبه و بازگشت به مسیر محبت و عشق، نه تنها خود را نجات خواهید داد بلکه فرصتی برای اصلاح روابط با دیگران فراهم خواهید کرد. این راستا، هر قدمی که در جهت ابراز محبت برمی‌دارید، شما را به حقیقتی نزدیک‌تر خواهد کرد که همان نزدیکی به ذات پاک الهی است.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)